



روایات

کلیدواژه: روایات، قرآن، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، اهل بیت علیهم‌السلام، سنت، پرسش: اخیراً گروهی معتقدند اصل اختلاف بین مسلمانان ریشه در پذیرش روایات دارد و علم رجال و درایه معتنا به نیست؛ زیرا شیعه و سنی با استفاده از آن احکام متفاوتی ارائه داده‌اند. راهکار اکتفا به قرآن است و حذف روایات و سنت در جایگاه قانون‌گذاری اطاعت از پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - هم محدوده مضامین قرآنی واجب و بقیه فرمایشات توصیه‌ای است نه واجب. ۱. بهترین جواب برون و درون‌دینی به آنها چیست؟ ۲. آیا این گروه شناخته‌شده و دارای اسم و هویت هستند؟

پاسخ: پیشینه بحث اکتفا به قرآن و حذف روایات و سنت تقریباً به صدر اسلام می‌رسد؛ زیرا براساس منابع اهل سنت و شیعه در اواخر عمر مبارک پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - زمانی که آن حضرت درخواست قلم و دوات و کاغذ نمودند تا چیزی بنویسند که رهنمودی باشد برای امت اسلام تا بعد از آن حضرت به بیراهه نروند، متأسفانه خلیفه دوم عمر بن خطاب با این امر به مخالفت می‌پردازد و می‌گوید: کتاب خدا (قرآن) ما را بس است (نیازی به سنت پیامبر نداریم).

فهرست مندرجات

- ۱ - نکته‌ای درباره شبهه مورد پرسش
- ۲ - پیشینه بحث اکتفا به قرآن
- ۳ - روایتی از اهل سنت در تأیید شبهه
 - ۳.۱ - روایتی از صحیح بخاری و...
- ۴ - دلایل برون‌دینی و درون‌دینی
 - ۴.۱ - دلیل عقلی
 - ۴.۱.۱ - دلیل اول
 - ۴.۱.۲ - دلیل دوم
 - ۴.۱.۳ - دلیل چهارم
 - ۴.۲ - اجماع
 - ۴.۲.۱ - سخن خداوند متعال
 - ۴.۲.۲ - اطاعت از اوامر و نواهی پیامبر
 - ۴.۳ - سنت پیامبر
 - ۴.۳.۴ - طرح یک پرسش
 - ۴.۳.۵ - پاسخ
- ۴.۴ - حدیث
 - ۴.۴.۱ - روایتی از احمد بن حنبل
 - ۴.۴.۲ - کنار هم بودن کتاب و اهل بیت
- ۵ - نتیجه بحث
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

نکته‌ای درباره شبهه مورد پرسش

این شبهه جدیدی نیست که بدون پیشینه تاریخی و مربوط به این عصر و زمان باشد؛ بلکه از اولین مسائلی است که بعد از رحلت رسول اکرم اسلام - صلی‌الله‌علیه‌وآله - بلکه در زمان حضرتش از طرف برخی مطرح شده است؛ از این‌رو نخست به سابقه این بحث پرداخته، سپس به تحلیل و پاسخ آن می‌پردازیم.

پیشینه بحث اکتفا به قرآن

پیشینه بحث اکتفا به قرآن و حذف روایات و سنت تقریباً به سابقه اسلام می‌رسد؛ زیرا در اواخر عمر مبارک پیامبر زمانی که پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - درخواست قلم و دوات و کاغذ نمودند تا چیزی بنویسند که رهنمود باشد برای امت اسلام تا بعد از آن حضرت به بیراهه نروند، متأسفانه خلیفه دوم عمر بن خطاب با این امر به مخالفت می‌پردازد و می‌گوید: کتاب خدا (قرآن) ما را بس است (نیازی به سنت پیامبر نداریم).

روایتی از اهل سنت در تأیید شبهه

در تأیید این سخنان از مهم‌ترین و معتبرترین منابع اهل سنت بهره می‌بریم.

← روایتی از صحیح بخاری و ...

صحیح بخاری، صحیح مسلم، مسند احمد و ... نقل می‌کنند: ابراهیم بن موسی از هشام بن معمر از عبدالله بن محمد از عبدالرزاق از معمر از زهری از عبیدالله بن عبدالله بن عباس (رض) نقل می‌کنند که ابن عباس گفت: زمان پانویس عمر مبارک پیامبر اسلام - صلی‌الله‌علیه‌وآله - تعدادی از صحابه از جمله عمر بن خطاب خدمت آن حضرت بودند که آن حضرت - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمود: نزد من بیایید تا برای شما چیزی بنویسم که بعد از آن گمراه نشوید. عمر گفت: درد بر او چیره شده، نزد شما قرآن است، کتاب خدا ما را بس است. [۱] حاضران نزد پیامبر به اختلاف برخاستند. برخی گفتند: آنچه پیامبر فرمود درست است، نزد آن

حضرت بیاپید تا چیزی بنویسد که بعد از او گمراه نشوید و گروهی سخن **عمر** را تأیید کردند. چون جنجال و اختلاف پیش پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - بالا گرفت، ایشان - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمود: از نزد من برخیزید و بیرون روید که در چنین محضری، غوغا روا نیست! [۲] [۳] [۴] [۵]

عبداللّه می‌گوید: عبداللّه بن عباس گفت: مصیبت از آنجا آغاز شد که میان پیامبر و نوشته او فاصله افکندند. [۶]

در این تحقیق با پاسخ به اصل پرسش طبعاً پاسخ این سخن که از خلیفه دوم نقل شده نیز داده خواهد شد.

دلایل برون‌دینی و درون‌دینی

براساس درخواست کاربر محترم پاسخ‌های برون‌دینی و درون‌دینی ارائه خواهیم نمود.

← ا. دلیل عقلی

اگر فرض را بر این بگذاریم که این سخن درستی است و همه مسلمانان بر این مطلب اتفاق داشته باشند و بپذیرند، آیا واقعاً قرآن ما را بس است و نیازی به سنت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - نیست؟

آیا در آن صورت تمام برداشت‌ها از قرآن یکی خواهد بود و همه در فهم آن اتفاق دارند.

گرچه پاسخ به این پرسش‌ها توضیح واضح است و **وجدان** آگاه هر شخص، خود پاسخی مناسب ارائه می‌نماید؛ اما باز هم ما اجمالاً به پاسخ آن می‌پردازیم. بهترین دلیل بر امکان هر شیء و وقوع آن است (ادلّ الدلیل علی امکان الشیء وقوعه).

← دلیل اول

ما می‌بینیم همه مسلمانان اعم از اهل سنت و شیعه در فهم و برداشت آیات قرآن نظر واحدی ندارند، کمتر مسئله‌ای در اصول و فروع یافت می‌شود که همه مفسران و علمای اسلامی در آن دیدگاه واحدی داشته باشند. [۷]

← دلیل دوم

آیا کسی می‌تواند توهم کند که ما از سنت بی‌نیاز هستیم، آیا همه تکالیف ما با تمام جزئیاتش در قرآن آمد؟ آیا تمام احکام نماز، روزه، زکات، حج و ... در قرآن بیان شد.

← دلیل چهارم

راستی اگر این سخن را بپذیریم، تکلیف این همه کتب حدیثی اهل سنت (که غیر قرآن هستند) از جمله صحاح سته (صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی‌داود، سنن ترمذی، سنن نسائی و سنن ابن‌ماجه) و صدها، بلکه هزاران کتاب پیرامون حدیث چه می‌شود.

← ب. اجماع

امروزه تمام فرق و مذاهب فقهی و کلامی **اجماع** و اتفاق دارند بر این‌که ما بی‌نیاز از حدیث نیستیم و هیچ **فقیه** و **متکلم** و صاحب نظری پیدا نمی‌شود که بر این باور باشد مسلمانان در **اعتقاد** و **عمل** بی‌نیاز از حدیث هستند. [۸]

← ج. قرآن

← سخن خداوند متعال

خداوند در قرآن می‌فرماید: «و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب؛ آنچه را رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - برای شما آورده بگیرد (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!» [۹]

← اطاعت از اوامر و نواهی پیامبر

این جمله هر چند در ماجرای عنایت بنی‌نضیر نازل شده، ولی محتوای آن یک **حکم** عمومی در تمام زمینه‌ها و برنامه‌های زندگی مسلمان‌هاست، [۱۰] و سند روشنی است برای حجت بودن سنت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - [۱۱] [۱۲]

بر طبق این اصل همه مسلمانان موظفند اوامر و نواهی پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - را به گوش جان بشنوند و اطاعت کنند، خواه در زمینه مسائل مربوط به **حکومت** اسلامی باشد، یا مسائل اقتصادی و یا عبادی و غیر آن، به‌خصوص این‌که در ذیل آیه، کسانی را که مخالفت کنند، به **عذاب** شدید تهدید کرده است. [۱۲]

← سنت پیامبر

خلاصه و به سخن دیگر، روشن و واضح است که امر و نهی رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - همان **سنت** آن حضرت است که خداوند ما را به **پیروی** از آن حضرت امر می‌فرماید.

← طرح یک پرسش

در این‌جا ممکن است این سؤال مطرح شود که چگونه خداوند دستور می‌دهد که همه مردم بدون استثنا آنچه را پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - می‌گوید بی‌قید و شرط بپذیرند؟!

← پاسخ

ولی با توجه به این‌که ما پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - را معصوم می‌دانیم و این **حق** فقط برای او و جانشینان **معصوم** او است پاسخ سؤال روشن می‌شود.

جالب توجه این‌که در روایات زیادی [۱۳] به این مسئله اشاره شده است که اگر خداوند چنین اختیاراتی را به پیامبرش داده، به‌خاطر آن است که او را کاملاً آزموده و خلق عظیم و اخلاق فوق‌العاده دارد که چنین حقی را به او تفویض فرموده است. [۱۵]

← د. حدیث

احادیث دال بر حجیت سنت در منابع **اهل سنت** و شیعه زیاد است و ما را به اخذ سنت راه‌نمایی و **تشویق** می‌نماید؛ از جمله آن **حدیث ثقلین** است که در کتب روایی هر دو فرقه در حد **تواتر** نقل شده است.

← روایتی از احمد بن حنبل

احمد بن حنبل که یکی از امامان چهارگانه اهل سنت است در مسندش نقل می‌کند:
حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ بْنُ غَامِرٍ أَخْبَرَنَا أَبُو إِسْرَائِيلَ يَعْنِي إِسْمَاعِيلَ بْنَ أَبِي إِسْحَاقَ الْمَلَانِيَّ عَنْ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَخَذَهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْأَخْرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي وَأَنْتَهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ.
اسود بن عامر می‌گوید: ابواسرائیل یعنی اسماعیل بن اسحاق ملانی از عطیه از ابوسعید نقل می‌کند که پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمود: در میان شما دو چیز گران‌نهادم، یکی از آن دو بزرگ‌تر و گران‌تر از دیگری است. **کتاب** خدا ریسمان پیوسته از **آسمان** تا **زمین** و عترت و اهل بیتم و این دو از هم جدا نمی‌شوند تا نزد **حوض کوثر** به من برسند. [۱۶] [۱۷] [۱۸] [۱۹]

← کنار هم بودن کتاب و اهل بیت

ملاحظه می‌شود که در این **حدیث پیامبر** - صلی‌الله‌علیه‌وآله - اهل بیت - علیهم‌السلام - عدل و در کنار **قرآن** قرار داده است؛ یعنی همان‌طور که مسلمانان موظف به اخذ از قرآن هستند، همچنین وظیفه دارند که در مواقع لزوم از **اهل بیت** - علیهم‌السلام - نیز اخذ کنند و این دو باهم کامل هستند و اخذ یکی بدون

نتیجه بحث

بنابراین اولاً **مسلمان** بودن و **عمل** به احکام بدون روایات ممکن نیست و ثانیاً بر فرض امکان چنین چیزی اینطور نیست که اختلافی بین مسلمانان نباشد؛ بلکه اگر بیشتر نباشد، تحقیقاً کمتر نخواهد بود.

پانویس

- ↑ حلی، نهج الحق و كشف الصدق، ص ۲۳۲، کهنسال، مؤسسه دارالهجره، قم، ۱۴۰۷ ه ق؛ در روایت پسر عمر: همانا پیامبر هذیان می‌گوید.
- ↑ مصدر الكتاب: موقع الإسلام http://www.al-islam.com.
- ↑ صحیح بخاری، ج ۱۷، ص ۴۱۷، حدیث ۵۲۳۷.
- ↑ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۴۱۴.
- ↑ مسند احمد، ج ۶، ص ۳۶۸ و ۴۷۸.
- ↑ حلی، نهج الحق و كشف الصدق، ص ۲۳۲، کهنسال، مؤسسه دارالهجره، قم، ۱۴۰۷ ه ق.
- ↑ در این رابطه به تفاسیر اهل سنت مراجعه نمایید.
- ↑ منظور از اجماع در اینجا اجماع مصلح فقهی نیست؛ بلکه اتفاق و عدم اختلاف است که می‌تواند مؤید ما باشد.
- ↑ حشر (۵۹)، آیه ۷.
- ↑ المورد لا یخصّ الوارد.
- ↑ فخرالدین رازی، ابوعبدالله مجتهدین عمر، مفاتیح الغیب، ج ۲۹، ص ۵۰۷، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ۱۴۲۰ ق.
- ↑ طباطبایی، سید مجتهد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسوی همدانی، مجدیار، ج ۱۹، ص ۳۵۳، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه ش. و الأجدود أن تكون هذه الآية عامة فی کل ما أتى رسول الله و نهى عنه و أمر الفیء داخل فی عمومه. و این آیه یا صرف نظر از سیاقی که دارد، شامل تمام اوامر و نواهی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌شود و تنها منحصر به دادن و ندادن سهمی از فیء نیست؛ بلکه شامل همه اوامری که می‌کند و نواهی که صادر می‌فرماید، هست.
- ↑ مکارم، شیرازی ناصر، نمونه، ج ۲۲، ص ۵۰۷ و ۵۰۸، ناشر دارالکتب الإسلامیة، تهران، سال ۱۳۷۴ ه ش، چاپ اول.
- ↑ شیخ خویری، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۷۹ تا ۲۸۳.
- ↑ مکارم، شیرازی ناصر، نمونه، ج ۲۲، ص ۵۰۹ و ۵۱۰، ناشر دارالکتب الإسلامیة، تهران، سال ۱۳۷۴ ه ش، چاپ اول.
- ↑ مسند احمد، ج ۲۹، ص ۳۰۸.
- ↑ مسند احمد، ج ۲۲، ص ۲۲۶.
- ↑ مسند احمد، ج ۲۲، ص ۲۵۲.
- ↑ مسند احمد، ج ۲۲، ص ۲۲۴.

منبع

پایگاه اسلام کوئست.